بسم الله الرحمن الرحیم

دانشگاه هنر اصفهان

دانشکده هنر ادیان و تمدن ها

گروه پژوهش هنر

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر

[کنش فهم مخاطب در تعزیه با رویکرد هرمنوتیکی]

استادان راهنما:

دکتر مرضیه پیراوی ونک

دکتر محمد جواد صافیان

پژوهشگر:

اقدس نیک نفس

شهریورماه ۱۳۹۰

اظهارنامه دانشجو:

موضوع پایان نامه : کنش فهم مخاطب در تعزیه با رویکرد هرمنوتیکی
استادان راهنما: دکتر مرضیه پیراوی ونک و دکتر محمد جواد صافیان
اینجانب اقدس نیک نفس دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر دانشکده هنر ادیان و تمدن ها دانشگاه هنر اصفهان به شماره دانشجویی ۸۷۱۱۵۰۳۱۱۱ گواهی می نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تائید می باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به‌علاوه گواهی می نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه هنر اصفهان را به‌طور کامل رعایت کرده ام.

امضاء دانشجو:
تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان‌نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

دانشگاه هنر اصفهان

دانشکده هنر ادیان و تمدن ها

گروه پژوهش هنر

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر خانم اقدس نیک نفس با عنوان:
[کنش فهم مخاطب در تعزیه با رویکرد هرمنوتیکی]

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۳۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره 19/50 درجه عالی به تصویب نهایی رسید

۱- استاد راهنمای اول پایان نامه آقای دکتر مرضیه پیراوی ونک با مرتبه علمی استادیار
۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه آقای دکتر محمد جواد صافیان با مرتبه علمی استادیار
۳- استاد داور داخل گروه آقای دکتر نادر شایگان فر با مرتبه علمی استادیار
۴- استاد داور خارج از گروه آقای کیوان طهماسبیان با مرتبه علمی مربی

مهر و امضای مدیر گروه

تقدیم بـــه:

پدر و مادر عزیز و مهربانم

و خواهرم اکرم

چکیده:

تعزیه نمایشی آئینی –مذهبی است که دارای امکانات و ویژگی هایی چون روایت گری، بدیهه سازی، تعلیق و تعویق حوادث و اجرای زنده و از همه مهمتر ارتباط بی نظیر مخاطب و تعزیه، از آن نمایشی خاص می سازد. این ارتباط به نحوی است که مخاطب در تعزیه خود بخشی از شکل گیری نمایش است. آن چه تعزیه را در میان سنن نمایشی دنیا برجسته و ممتاز می سازد ویژگی اخیر آن است. برخی پژوهشگران تاثیر بی مانند تعزیه بر مخاطب را نتیجه تراژیک یا حزن انگیز بودن آن دانسته و با مسامحه بسیار تعزیه را نوعی تراژدی می دانند. گرچه وقوع امر تراژیک در تعزیه نقش مهمی در تاثیر آن بر مخاطب ایفا می کند اما از طرفی باید در نظر داشت که یک جزء همیشه در نسبت با اجزاء دیگر و در کلیت شکل گرفته ازآنها معنا می یابد و از طرف دیگر هر نمایش غم انگیزی نمی تواند تاثیرگذار باشد. از این گذشته تاثیرگذارترین نمایش ها زمانی که بر مخاطب و نه تماشاگر عرضه شوند اثر گذارند. از این رو آن چه اهمیت می یابد نسبت مخاطب و تعزیه است چراکه فهم مخاطب در نسبت مخاطب با تعزیه و وجود مخاطبان و نه تماشاگران شکل می گیرد.

_گرچه تعزیه و تراژدی نمایش هایی آیینی و تراژیک به شمار می روند اما آیا می توان تعزیه را نوعی تراژدی دانست ؟

_آیا می توان تنها به دلیل وقوع امر تراژیک در تعزیه و غم انگیز بودن آن تاثیر تعزیه بر مخاطب را توجیه نمود؟

_ ارتباط مخاطب و تعزیه ازچه نوعی بوده و کنش فهم مخاطب چگونه شکل می گیرد؟

گرچه این دو نمایش به لحاظ آیینی بودن و وقوع امر تراژیک شباهت هایی با یکدیگر دارند اما طبق دیدگاه ارسطو و تعریف وی درمورد تراژدی نمی توان تعزیه را از نوع تراژدی به شمار آورد بلکه تعزیه از نوع حماسی بشمار می آید. بنابراین تاثیرگذاری تعزیه نه به دلیل وقوع امر تراژیک که به سبب تمامی عناصر آن و کلیتی است که شکل گرفته از آن هاست.

این رساله بر آن است که نسبت مخاطب و تعزیه و فهم مخاطب را با روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه ای و براساس رویکرد پدیدارشناختی-هرمنوتیکی مورد بررسی قرار دهد. برطبق رویکرد یاد شده این نسبت ها، نسبت هایی وجودی بوده و فهمیدن یک طریق عالم داشتن است. در نهایت به فهم مخاطب در تعزیه به مثابه عملی هستی شناختی به واسطه پیش فهم هایی که در زندگی اجتماعی خود کسب کرده است، در قالب دور هرمنوتیکی پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: تعزیه، پدیدارشناسی، هرمنوتیک، فهم ، مخاطب، دور هرمنوتیکی.

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه..... **۲**

۱-۲- بیان مسأله(تعریف موضوع پژوهش)..... **۳**

۱-۳- اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش ۴

۱-۴- اهداف پژوهش ۴

۱-۵- چارچوب نظری پژوهش ۴

۱-۶- روش پژوهش ۵

۱-۸- قلمرو زمانی پژوهش..... ۶

۱-۹- روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه..... ۶

۱-۱۰- روش تجزیه وتحلیل داده ها..... ۷

۱-۱۱- شرح واژه ها و اصطلاحات به کار رفته در پژوهش ۷

فصل دوم: نمایش و اقسام آن از دیدگاه «افلاطون» و «ارسطو»

۲-۱- چیستی نمایش و پیوند آن با زندگی انسان‌ها ۱۰

۲-۱-۱. رابطهٔ سنن نمایشی با آیین ها و فرهنگ مردم..... ۱۱

۲-۲- تأثیر نمایش های آیینی در ذهن جمعی مردم ۱۲

۲-۳- شکل گیری آئین..... ۱۳

۲-۳-۱. مفهوم آئین ۱۴

۲-۳-۲. پیوند تعزیه و تراژدی با آئین ۱۴
۲-۳-۳. خاستگاه تعزیه و تراژدی ۱۵
۲-۳-۴. انواع نمایش های مذهبی در ایران ۱۵
۲-۴- معنی لغوی تعزیه ۱۶
۲-۴-۱. معناشناسی تعزیه ۱۷
۲-۴-۲. نمایش به معنی اعم ۱۸
۲-۵- انواع روایت از نظر افلاطون ۱۸
۲-۵-۲. تأثیر شعر و هنر از نظر افلاطون ۱۹
۲-۵-۳. هنر در نزد ارسطو ۲۰
۲-۵-۴. نمایش از دیدگاه ارسطو ۲۱
۲-۵-۵. معنای کاتارسیس نزد ارسطو ۲۳
۲-۵-۶. هامارتیا ۲۴
۲-۵-۷. واژگونی و تعرف ۲۵
۲-۵-۸. وحدت های کنش، زمان و مکان در تراژدی ۲۷
۲-۵-۹. ترکیب تراژدی ۲۹
۲-۶- نسبت تراژدی و زندگی ۳۰

فصل سوم: تعزیه و تراژدی

۳-۱- ممیزه های خاص بینش ایرانی و تاثیر آن بر شکل گیری تعزیه و فهم مخاطب از آن ۳۳
۳-۲- شباهت ها و تفاوت ها در تعزیه و تراژدی ۳۴
۳_۲_۱. عناصر تراژیک در تعزیه ۳۵
۳-۲-۲. ویژگی آئینی تعزیه و تراژدی ۳۶

۳-۲-۳. تشابه بین آغاز نمایش در تعزیه و تراژدی ۳۷
۳-۲-۴. تخیل در تعزیه و تراژدی ۳۸
۳-۲-۵. مفهوم شفاعت و طلب یاری در تعزیه و تراژدی ۳۹
۳-۴- تفاوت های تعزیه و تراژدی ۴۰
۳-۴-۱. شبیه و شخصیت در تعزیه وتراژدی ۴۰
۳-۴-۱-۱. قهرمان در تراژدی و تعزیه ۴۲
۳-۴-۱-۲. هامارتیا ۴۲
۳-۴-۱-۳. مقایسه واژگونی و تعرف در تعزیه و تراژدی ۴۳
۳-۴-۲. کاتارسیس ۴۵
۳-۴-۳. تعارض و ابعاد آن در تراژدی و تعزیه ۴۶
۳-۴-۴. تقدیر در تراژدی و تعزیه ۴۶
۳-۴-۵. روایت در تعزیه و تقلید در تراژدی ۴۸
۳-۴-۶. دو دیدگاه متفاوت نسبت به مرگ در تعزیه و تراژدی ۴۹
۳-۴-۷. زمان و مکان در تعزیه و تراژدی ۵۱
۳-۴-۸. نقش تاریخ و اسطوره در تعزیه و تراژدی ۵۲
۳-۴-۹. تعزیه گونه ای متادرام ۵۳

فصل چهارم: تعزیه

۴-۱- مجموعه عناصر تعزیه و تاثیرگذاری بر فهم مخاطب ۵۷
۴-۱-۱. اجزاء کمی تعزیه ۵۷
۴-۲- مضمون ثابت آئینی – مذهبی تعزیه ها ۵۹
۴-۲-۱. پیشینه آئینی نمایش «وقایع کربلا» ۶۰

۴-۲-۲. جنبه آئینی تعزیه و فهم متفاوت مخاطب از آن ۶۲
۴-۳- اقسام تعزیه ۶۳
۴-۴- سه عنصر بنیادی تعزیه ۶۵
۴-۴-۱. زبان و ادبیات تعزیه ۶۵
۴-۴-۲. موسیقی تعزیه ۶۸
۴-۴-۲-۱. موسیقی آوازی یا گفتاری ۶۹
۴-۴-۲-۲. موسیقی سازی و غیر آوازی ۷۰
۴-۴-۲-۳. جنبه توصیفی موسیقی تعزیه ۷۱
۴-۴-۳. عنصر نمایش و روایت در تعزیه ۷۲
۴-۵- ویژگی های تعزیه ۷۳
۴-۵-۱. ارتباط بی نظیر مخاطب و تعزیه ۷۳
۴-۵-۲. تراژیک یا حزن انگیز بودن تعزیه ۷۵
۴-۵-۳. تعزیه هنری نمادین یا سمبلیک است ۷۵
۴-۵-۴. انعطاف پذیری تعزیه ۷۶
۴-۵-۶. تنوع و گستردگی مضامین ۷۷
۴-۵-۷. زمان و مکان در تعزیه ۷۷
۴-۵-۸. حرکات تخیلی ۸۱
۴-۵-۹. تعزیه گونه ای متادرام ۸۲
۴-۵-۱۰. فاصله گذاری در تعزیه ۸۳
۴-۵-۱۱. صحنه ۸۴

فصل پنجم: فهم مخاطب در تعزیه

۵-۱- اصول و مفاهیم پدیدارشناسی-هرمنوتیک ۸۷

۵-۱-۱. هرمنوتیک ۸۷

۵-۱-۲. مفهوم پدیدارشناسی ۸۸

۵-۱-۳. پدیدارشناسی هرمنوتیک ۸۹

۵-۲- دازاین ۹۰

۵-۲-۱. حضور در عالم ۹۱

۵-۲-۳. موجودیت ۹۲

۵-۲-۴. سخن گفتن ۹۳

۵-۳- فهم و تاویل ۹۴

۵-۳-۱. دوری بودن فهم ۹۶

۵-۴- هنر ۹۸

۵-۴-۱. هنر به مثابه «برگشودن عالم» ۹۹

۵-۴-۱-۱. چهار ساحت «عالم» ۱۰۲

۵-۴-۱-۲. حاضر ساختن «زمین» در اثر هنری ۱۰۲

۵-۵- حقیقت در اثر هنری ۱۰۴

۵-۶- هنر و شاعری ۱۰۵

۵-۶-۱.شاعری و نگاه داشت کار هنری ۱۰۷

۵-۷-فهم مخاطب در تعزیه ۱۰۹

۵-۷-۱. تاثیرجنبه آئینی تعزیه بر نحوه دیدار مخاطب ۱۱۱

۵-۷-۲. اهمیت فهم پیشین و برآمده از سنت ۱۱۲

۵-۷-۳.بازی : تبیین هستی شناسانه تعزیه به عنوان اثر هنری ۱۱۴

۵-۷-۴. فهم مخاطب از مکان در تعزیه ۱۱۶
۵-۷-۵. فهم مخاطب از زمان در تعزیه ۱۲۰
۵-۷-۶. شیوه روایتی تعزیه و گفتار آهنگین و شاعرانه در تعزیه ۱۲۲
۵-۷-۷. مخاطب و موسیقی تعزیه ۱۲۷
۵-۷-۸.حرکت های نمادین ۱۲۹
۵-۷-۹. شبیه خوان ۱۳۰
نتیجه گیری: ۱۳۲

فهرست جدول‌ها

عنوان **صفحه**

(۳-۲)تفاوت های قهرمان در تعزیه و تراژدی.....۴۴

(۵-۱)تفاوت ها و شباهت های تعزیه و تراژدی.....۱۳۳

فهرست شکل ها

عنوان **صفحه**

شکل (۳-۱) سه عنصر تراژیک در تعزیه..... ۳۶

شکل (۴-۱) اقسام تعزیه از نظر ساختمان، مضامین نمایشی و مضمون..... ۶۴

شکل (۵-۱) جهت گیری های خاص هرمنوتیک از نظر هایدگر..... ۸۷

شکل (۵-۲) سه گشودگی وجودی دازاین..... ۹۱

شکل (۵-۳) تفسیر هستی شناسانه فهم..... ۹۶

شکل (۵-۴) جنبه دور هرمنوتیک در دازاین..... ۹۷

شکل (۵-۵) بازی به مثابه تبیین هستی شناسانه اثر هنری..... ۱۱۵

فهرست تصویرها

عنوان صفحه

تصویر (۴-۱) قرارگیری مخاطبان در بطن نمایش..... ۷۴
تصویر (۴- ۲) تشت نماد رود فرات در تعزیه..... ۷۶
تصویر (۴-۳) خواندن متن از روی نسخه توسط شبیه خوان..... ۸۳
تصویر (۴-۴) صحنه خالی از دکور تعزیه..... ۸۴
تصویر (۵-۱) تابلوی کفش های ون گوگ ۱۰۴
تصویر (۵-۲) جنبه آیینی تعزیه و حفظ قداست در تماشاکردن..... ۱۱۱
تصویر (۵-۳) سکوی تعزیه و نحوه قرارگیری مخاطب در گرداگرد آن ۱۱۶
تصویر (۵-۴) خیمه گاه امام حسین (ع) ۱۱۷
تصویر (۵-۵) حرکت نمادین در نشان دادن غم شهادت امام حسین(ع) در تعزیه ۱۲۹

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱-مقدمه

در میانه عصر حاضر که تفکر خود بنیاد منجر به از خود بیگانگی و غفلت بشر از جایگاه حقیقی خویش شده است و تفکر حقیقی که تفکر بر ذات و حقیقت امور است از یاد رفته است. در جوامعی که تا حدودی از سوبژکتیویته برکنار مانده و بارقه های معنویت در آن ها به چشم می خورد، انسان سنتی هنوز در همسایگی هستی بسر می برد. فهم هنر این جوامع نیز جز با قرارگیری در همان سنت و برقراری ارتباط وجودی با کار هنری به دست نمی آید و اگر با دیدگاهی مدرن به هنر انسان های سنتی پرداخته شود، جز فهم نادرست چیز دیگری به دست نخواهد آمد. از آن جا که هنر و به ویژه هنرهای نمایشی جز با وجود مخاطب شکل نمی گیرند، مخاطب و فهم آن از کار هنری اهمیت بسیار می یابد. تعزیه از جمله هنرهایی است که به سبب آیینی و مردمی بودن، سهم مخاطب و فهم آن در وجود و تداوم این هنر سهم بسزائی ایفا می کند.

هایدگر از جمله فیلسوفانی است که به اهمیت مخاطب و فهم آن از کار هنری پرداخته است. هایدگر مخاطب کار هنری را نگاهبان کار می داند. این مخاطب بدون آن که ذهنیت خود را به کار تحمیل کند، اجازه می دهد کار آن چنان که هست، باشد. بر این اساس فهم مخاطب سنتی از تعزیه که به هدف برگزاری مراسمی آیینی در تعزیه شرکت می کند و در ارتباطی وجودی با تعزیه قرار می گیرد، در راستای فلسفه هرمنوتیک هایدگر از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در نوشتار پیش رو در فصل اول به کلیات پایان نامه، روش تحلیل، جنبه های مختلف مسئله مورد پژوهش، چگونگی پرداختن به آن، روند کار هدف از پژوهش پرداخته می شود. در فصل دوم به نظریات افلاطون و ارسطو درباره هنر و به ویژه نظریات ارسطو که قدیمی ترین تعریف نمایش از اوست پرداخته می شود. این دو فیلسوف به مخاطب از دو منظر متفاوت می نگرند و تاثیر هنر را بر مخاطب مورد توجه قرار می دهند. در حالی که افلاطون تاثیر هنر بر مخاطب را مضر می داند، ارسطو آن را مسبب وقوع تزکیه و پالایش در مخاطب می داند. در فصل سوم به تراژی و تعزیه از آن روی که هر دو نمایش هایی آیینی و تراژیک هستند، پرداخته می شود و در نهایت براساس نظریات ارسطو شباهت ها و تفاوت های این دو گونه نمایشی روشن می شود. در فصل چهارم نیز اقسام تعزیه، پیشینه آیینی تعزیه، اجزا و عناصر تعزیه مانند موسیقی، روایت گری، نمایش، زبان و ادبیات و دیگر ویژگی های آن مورد بررسی قرار می گیرد. در فصل پنجم نیز کلیاتی درباره رویکرد هرمنوتیک هایدگر و تعریف متفاوتی که هایدگر از فهم و دوری بودن آن بیان می کند، آورده شده و سپس با استفاده از این رویکرد علاوه بر این که کنش فهم مخاطب در تعزیه تبیین شده است، اهمیت مخاطب به عنوان نگاهبان تعزیه و نیز تاثیر آن بر تداوم و بقای تعزیه که تنها نمایش جدی جهان اسلام به شمار می رود، نشان داده می شود.

اگرچه مطالعات بسیاری درباره هنر آیینی-مذهبی تعزیه انجام شده است اما به دلیل این که مخاطب این هنر را معمولا عوام تشکیل می دهند، به نقش تاثیر گذار مخاطب و فهم آن از تعزیه کمتر بهایی داده شده و می توان گفت به فهم مخاطب در تعزیه پرداخته نشده است. پژوهش پیش رو سعی بر آن دارد با رویکرد پدیدارشناسی-هرمنوتیک هایدگر به

فهم مخاطب در تعزیه و اهمیت وجود این مخاطب در تداوم حیات تعزیه بپردازد. مخاطب بدون تحمیل ذهنیت خویش به نمایش تعزیه، فهمی متفاوت و هستی شناسانه از تعزیه به دست می دهد که متمایز از فهم انسان دنیای مدرن است که گرفتار سوبژکتیویته آمده است. بنابراین رویکرد هرمنوتیک هایدگر ما را به حقیقت تعزیه نزدیک می کند و حقیقت را در تعزیه بر ما آشکار خواهد کرد.

در نهایت این پایان نامه با هدف تکمیل پژوهش های پیشین سعی بر آن دارد تا با شناخت نقش کلیدی مخاطب سنتی، اهمیت آن را که در پژوهشهای مرتبط با تعزیه نادیده گرفته می شود، نشان دهد و فهم مخاطب از این هنر را مورد بازخوانی قرار دهد. از آن جا که تعزیه نمایشی آیینی است و رویکرد این پایان نامه در بررسی فهم مخاطب در تعزیه فلسفی است در آغاز به نظریات افلاطون و ارسطو از شعر نمایشی می پردازیم. در این قسمت بر تراژدی به عنوان هنری که با تعزیه اشتراکات قابل توجهی دارد، تاکید می شود و پس از آن فهم مخاطب در تعزیه را با رویکرد هرمنوتیکی هایدگر مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۱-۲- بیان مسأله(تعریف موضوع پژوهش)

در اغلب هنرها و به ویژه هنرهای نمایشی به سبب اجرای زنده آن رابطه ای دو سویه بین مخاطب و کار هنری برقرار است که در آن شکل گیری کار هنری بر حضور مخاطب و فهم مخاطب از آن کار استوار است، از این رو رابطه تنگاتنگ مخاطب و تعزیه، تاثیر تعزیه بر مخاطب، اهمیت فهم مخاطب در تعزیه و نقش آن در پایداری و دوام این هنر مسئله ای بود که این پایان نامه براساس آن شکل گرفت. در عصری که انسان سنتی رو به سوی مدرن شدن دارد، حیات تعزیه به عنوان هنر و جایگاه تحقق حقیقت در گرو داشتن مخاطبانی است که از تحمیل ذهنیت خویش به این هنر بپرهیزند. این مخاطب در دوران گذشته انسان سنتی بوده است اما با گذشت زمان روز به روز از تعداد این مخاطبان کاسته می شود.

آن چه می تواند راهگشای مخاطب امروزی به فهم تعزیه شود رویکرد هرمنوتیکی هایدگر است. هرمنوتیک به عنوان هنر یا فن تأویل و تفسیر که با تفهم و به فهم درآوردن رابطه تنگاتنگ دارد، فهم مخاطب از تعزیه را تبیین خواهد کرد. تعزیه به عنوان هنری آیینی و مذهبی که اجرایی زنده داشته و هنری متغیر و انعطاف پذیر است، دارای ویژگی تفسیری است. بنابر این بررسی آن نیز از دیدگاه هرمنوتیکی اهمیتی ویژه می یابد. تعزیه علاوه بر دارا بودن عناصری که هر کدام از دیدگاه هرمنوتیکی قابل بررسی هستند، کلی واحد را می سازد و جهانی را پیش روی مخاطب قرار می دهد تا به عنوان آخرین مفسر، آن را تأویل کرده و بفهمد. چراکه هدف نهایی تعزیه به نمایش درآوردن و تأثیرگذاری بر مخاطب آن است، در واقع تعزیه جز زمانی که برای مخاطب به اجرا درآید، کامل نخواهد شد. بنابراین هر چیز تأویلی در تعزیه اعم از صحنه، بازیگران، ابزار و ادوات مورد استفاده بازیگران و غیره همه باید توسط مخاطب تفسیر شوند تا به فهم آیند.